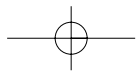


۳۹

A series of horizontal lines forming a ruled area for writing.



محبت بی حد الهی

نویسنده: درک پرینس

مترجم: م. آقامالیان

کانون بین المللی خدمات درک پرینس در شارلوت واقع در کارولینای شمالی
می باشد که دفاتری در استرالیا، کانادا، فرانسه، آلمان، هلند، زلاندنو، سنگاپور ،
آفریقای جنوبی و انگلستان دارد. همچنین توزیع کنندگانی در بسیاری از
کشورهای دیگر وجود دارد.

۱۹۷۸ پرینس با خانم روت بیکر ازدواج کرد و به مدت بیست سال آنها با یکدیگر در سراسر جهان سفر کردند و حقیقت مکشوف شده خدا را اعلام می کردند و با توجه به حقایق کتاب مقدس دید الهی را در مورد وقایع جهان با مردم در میان می گذاشتند. روت هم در سال ۱۹۹۸ درگذشت.

روش کار پرینس مبنی بر عقاید فرقه ای و گروهی نیز باعث گردیده است تا بتواند به انسانهایی که دارای نژاد و زمینه مذهبی متفاوتی هستند کلام خدا را تعلیم دهد و در همه دنیا پرینس یکی از برجسته ترین مفسرین کتاب مقدس شناخته شده است. برنامه رادیویی او که هر روز تحت عنوان «امروز با درک پرینس» به سیزده زبان، شامل چینی، روسی، عربی و اسپانیایی پخش می شود بیش از نیمی از جهان را مخاطب می سازد.

بیش از چهل کتاب درک پرینس به بیش از شصت زبان ترجمه شده است. از ۱۹۸۹ توجه خاص به اروپای شرقی و کشورهای متسقل مشترک المنافع (شوروی سابق) مبذول گردیده و بیش از یک میلیون نسخه از کتاب های پرینس به زبان این ملل در بین آنها پخش شده است. دروس کتاب مقدس پرینس که بصورت برنامه ویدئویی میباشد پایه گذار دهها آموزشگاه کتاب مقدس در این کشورهاست که تا این اواخر پیام مسیح به آنها نرسیده بود.

خدمات درک پرینس از طریق برنامه بشارت به جهان صدها هزار کتاب و کاست برای شبانان و رهبران بیش از ۱۲۰ کشور فرستاده است که نه دسترسی به منابع آموزشی مسیحی داشتند و نه پولی برای خریداری این منابع. اکنون درک پرینس که بیش از هشتاد سال سن دارد هنوز مسافرت های متعدد انجام می دهد و هر جا خدا او را هدایت می فرماید به خدمت می پردازد.

درباره نویسنده

درک پرینس در هندوستان از والدین انگلیسی متولد شد و در معروف ترین مراکز آموزش انگلستان یعنی اتن کالج و دانشگاه کمبریج تحصیل نمود و متخصص زبان یونانی و لاتین گردید. از ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۹ در کلاس های فلسفه قدیم و جدید کنگز کالج که وابسته به کمبریج است شرکت کرد. همچنین زبان عبری و آرامی را در دانشگاه کمبریج و دانشگاه زبان عبری اورشلیم فرا گرفت. به علاوه پرینس به چندین زبان زنده جهان می تواند سخن بگوید.

در نخستین سالهای جنگ جهانی دوم، وقتی پرینس در ارتش انگلستان به عنوان پرستار بیمارستان خدمت می کرد با عیسی مسیح ملاقاتی کرد که زندگی او را تغییر داد. در این مورد پرینس می نویسد:

بر اثر این ملاقات من به دو نتیجه رسیدم که تا به حال دلیلی برای تغییر دادن آنها ندانسته ام. اولی این است که عیسی مسیح زنده است و کتاب مقدس حقیقت را بیان می کند و تعالیم آن برای حقایق روز مناسب است. این دو نتیجه اساسا و برای همیشه کل جریان زندگی مرا تغییر دادند.

در پایان جنگ جهانی دوم پرینس در جایی ماند که ارتش انگلستان او را گذاشته بود یعنی در اوشلیم. پرینس بر اثر اولین ازدواج خود با خانمی بنام لیدیا پدر هشت دختر گردید که لیدیا قبلا آنها را به فرزندى قبول نموده بود. در حالیکه پرینس و لیدیا بعنوان مربی در کنیا خدمت می کردند نوزادی آفریقایی را که دختر بود به فرزندى قبول کردند و به این ترتیب نهمین فرزند هم به خانواده آنها اضافه شد. لیدا در ۱۹۷۵ دیده از جهان فرو بست. در

خودشان تا آن موقع به فقرا خیلی خدمت کرده بودند یا بعد از این اتفاق خدمات بسیاری به فقرا نمودند؟

سوم، خصوصیت مشترک تمام افراد ایرادگیر این است که بدبخت هستند. می خوانیم که حتی آنها از بوی عطر هم لذت نبردند. بوی این عطر عالی در تمام خانه پخش شده بود ولی آنها بقدی عصبانی و مشغول ایرادگیری بودند که حتی نمی توانستند از بوی عطر هم لذت ببرند.

اکنون که به پایان این فصل رسیده ایم که موضوع آن نحوه پاسخ گفتن به محبت بی حد الهی است، اجازه بفرمایید سوالی شخصی از شما بپرسم. آیا تا به حال روح القدس قلب شما را لمس کرده است تا بی اندازه برای عیسی فداکاری نمایید؟ نمی توان مستقیماً کاری برای خود عیسی کرد چون او در آسمان است؛ ولی مثل مریم می توانیم کاری برای بدن او یعنی قومی که بر روی زمین دارد، انجام بدهیم.

اگر روح القدس قلب شما را لمس کند مانند مریم خواهد شد؟ آیا جرات خواهید داشت بی اندازه فداکاری نمایید؟ آیا جرات خواهید کرد کاری غیر معمول انجام بدهید؟ ممکن است افراد خشکه مذهبی از شما ایراد بگیرند ولی به یاد داشته باشید عیسی از شما تمجید خواهد کرد.

پایان

المثلی هست که می گوید: «قلب دلایل مخصوص بخود را دارد که عقل از آنها کاملاً بی خبر است.» من فکر می کنم که قلب مریم دلایلی داشت که تمام کسانی که در آنجا نشسته بودند و استدلال می نمودند از این دلایل بی خبر بودند. پاداش عظیم مریم در مرقس ۱۴ : ۹ ذکر گردیده است: یقین بدانید در هر جای عالم که انجیل اعلام شود آنچه او کرده است به یاد بود او نقل خواهد شد.

حتی همین پیغام ما هم این پیشگویی را تحقق می بخشد چون پیغام ما از طریق رادیو اعلام می شود و نهایتاً به گوش همه دنیا می رسد. در واقع این یکی از موارد متعدد تحقق پیشگویی فوق است.

عکس العمل انتقاد کنندگان چگونه بود

در آخر اجازه بفرمایید ببینیم که انتقاد کنندگان چه عکس العملی از خود نشان دادند. اولاً آنها مثل غالب افراد خشک مذهبی تنگ نظر بودند. در بین مردم این ضرب المثل متداول است که «طرف مثل موش کلیسا بدبخت است». این عبارت گویای حقیقت دردناکی است چون نشان می دهد که از نظر جهان موش کلیسا بدبختتر از سایر موش هاست. دنیا فکر می کند که کلیسا تشکیل شده است از افرادی تنگ نظر، فقیر و بدبخت و خسیس. بسیاری از مسیحیان بهانه خوبی به دست دنیا می دهند تا دنیا در مورد آنها اینطور فکر کند. ولی در این داستان مشاهده می کنیم که کسانی که از کار مریم ایراد می گرفتند، تنگ نظر بودند نه عیسی و مریم.

ثانیا، این افراد ریاکار بودند. وقتی دیدند مریم بوسیله روغن گرانها عیسی را تدهین کرد ناگهان نگران حال فقرا شدند ولی می توان پرسید که آیا

می خوانیم که عیسی در مورد این زن می فرماید: «او کار خوبی برای من کرده است». خدا را شکر برای این ترجمه خوب در این ترجمه ذکر شده که کار مریم «خوب» بود. مسیح در عمل این زن چیزی دید که بنظرش خوب بود. بله، محبت بی حد و حصر و زیباست.

در مرقس ۱۴ : ۸ عیسی می فرماید: «او آنچه از دستش بر می آمد برای من کرد، این مطلب ساده در عین حال بسیار مهم است. خدا هرگز از ما نمی خواهد که بیش از توان خود کاری برای او انجام دهیم. اغلب شنیده ام که مردم می گویند: «ای کاش بیشتر می توانستم خدمت کنم». ولی همیشه این سوال به ذهنم می آید که «آیا آنها واقعا هرچه از دستشان برمی آید انجام می دهند؟» خدا هرگز کاری بیشتر از توانمان از ما نمی خواهد. ولی اگر آنچه از دستمان بر می آید انجام بدهیم عیسی همان طرز برخورد را با ما خواهد داشت که با آن زن داشت.

همچنین در مرقس ۱۴ : ۸ می خوانیم که عیسی می فرماید: «با این عمل بدن مرا پیش از وقت برای دفن آماده کرده است». این سخن عجیبی است. در آن زمان هیچیک از شاگردان واقعا اعتقاد نداشت عیسی باید بمیرد و دفن شود. ولی در میان تمام مردم، برای مریم این امر مکشوف شده بود که عیسی باید بمیرد و دفن شود. وقتی عیسی بر صلیب جان سپرده شاگردان وقت نداشتند که بطور مناسب بدن عیسی را تدهین نمایند. مجبور بودند عیسی را کفن بپوشانند و عطریات و مواد خوشبو روی بدن او بگذارند چون وقت نداشتند تدهین واقعی را انجام بدهند. آنها فرصت را از دست داده بودند. ولی قلب مریم به روی روح القدس گشوده بود. روح القدس می توانست با مریم سخن بگوید چون می توانست با قلب مریم و نه لزوما با فکر او سخن گوید. در زبان فرانسه ضرب

۳۰

را از روی دلسوزی برای فقرا نگفت بلکه به این دلیل گفت که خودش مسئول کیسه پول و شخص دزدی بود و از پولی که به او می دادند، بر میداشت. لطفا به سه عنصر مهم در این داستان توجه بفرمایید که عبارتند از

- ۱- کاری که مریم کرد.
- ۲- سخنانی که عیسی فرمود و
- ۳- عکس العمل کسانی که از کار مریم ایراد گرفتند.

مریم چه کرد

لطفا اول به کاری که مریم کرد توجه بفرمایید. محبت او بی حد بود. او مسیح را بوسیله عطری تدهین کرد که قیمت آن به اندازه مزد یکسال شخص (۱) بود. مریم گلابدانی را که از سنگ مرمر ساخته شده بود شکست و تمام عطر را روی مسیح خالی کرد. در عرض چند لحظه کل آن عطر ریخته شد. مریم پیش از آنچه انتظار میرفت بخشید.

ثانیا مریم کاملا فداکاری نمود. او نه فقط عطر را چنانکه در انجیل مرقس می خوانیم بر سر مسیح ریخت بلکه چنانکه در انجیل یوحنا می خوانیم بر پاهای مسیح هم ریخت و پاهای او را بوسیله موهای خود تمیز کرد. تصور بفرمایید که مریم پیش پاهای عیسی زانو زده است و با موهای بلند خود روغنی را که بر پاهای عیسی ریخته پاک می کند.

عیسی چه فرمود

به برخی از مطالب عمیقی که عیسی درباره این زن فرمود توجه فرمایید. مسیح از کسانی که از این زن انتقاد می کردند، جانبداری نکرد. در مرقس ۴ : ۶

وقتی عیسی در بیت عنیا در خانه شمعون جذامی بر سر سفره نشسته بود، زنی با گلاب دانی از سنگ مرمر که پر از عطر گران قیمت سنبل خالص بود وارد شد و گلابدان را شکست و عطر را بر سر عیسی ریخت بعضی از حاضران با عصبانیت به یکدیگر گفتند «چرا باید این عطر اینطور تلف شود؟ می شد آن را به بیش از سیصد سکه نقره فروخت و پولش را به فقرا داد.» آنها با خشونت به آن زن اعتراض کردند. اما عیسی فرمود: «با او کاری نداشته باشید، چرا او را ناراحت می کنید؟ او کار خوبی برای من کرده است. فقرا همیشه در بین شما خواهند بود و هر وقت بخواهید می توانید به آنها کمک کنید. اما مرا همیشه نخواهید داشت. او آنچه از دستش بر می آمد برای من کرد و با این عمل بدن مرا پیش از وقت برای دفن آماده کرده است. یقین بدانید در هر جای عالم که انجیل اعلام شود آنچه او کرده است به یاد بود او نقل خواهد شد.»

عیسی در پایان سخنان خود مطالب تکان دهنده ای بیان می دارد. می فرماید: «... آنچه او کرده است به یادبود او نقل خواهد شد.» اجازه بفرمایید به قسمتی از شرحی مشابه از همین داستان که در یوحنا ۱۲ : ۳-۶ وجود دارد نگاهی بیندازیم. در این قسمت هویت این زن مشخص می شود و جنبه های دیگری از این اتفاق روشن می گردد.

آنگاه مریم پیمانان ای از عطر گرانبها را که روغن سنبل خالص بود آورد و بر پاهای عیسی ریخت و با گیسوان خود آنها را خشک کرد بطوری که آن خانه از بوی عطر پرشد. در این وقت یهودای اسخریوطی پسر شمعون که یکی از حواریون عیسی بود و بزودی او را تسلیم می کرد گفت: «چرا این عطر به قسمت سی و پنج هزار ریال فروخته نشد تا پول آن به فقرا داده شود؟» او این

فصل پنجم

محبت بی حد و حصر متقابل

دیدیم که به میزان محبت خدا نسبت به بشریت می توان از طریق برخی معیارهای واقع بینانه پی برد. اولاً می توان با توجه به بهایی که خدا و عیسی پرداختند به آن پی برد. این بها چنانکه در دو مثل مورد بحث بیان گردید عبارتست از فدا ساختن تمام آنچه مسیح داشت. مسیح خون خود را ریخت و جان یا به عبارتی زندگی خود را فدا ساخت و این امر به این صورت بود که خونش هفت مرتبه پاشیده شد.

ثانیاً، به میزان محبت خدا نسبت به ما می توان با توجه به میراثی که در مسیح به ما می بخشد پی برد. ما

هم ارث با مسیح و وارثان خدا هستیم. ما همراه با عیسی مسیح از کل ارث خدای پدر و خدای پسر برخوردار می شویم. به میزان عظیم محبت الهی می توانیم با توجه به بهایی که خدا پرداخت و ارثی که به ما می بخشد پی ببریم.

اکنون میخواهیم روی دیگر سکه را ببینیم یعنی میخواهیم ببینیم که چگونه می توان به محبت بی حد و حصر الهی پاسخ گفت؟ جواب بسیار ساده است. به این منظور ما باید محبتی بی حد و حصر نسبت به خدا داشته باشیم. برای روشن شدن مطلب اجازه بفرمایید نگاهی بیندازیم به کاری که یک زن در حدود یک هفته قبل از مرگ عیسی برای او کرد.

خدا نسبت به خود آگاهیم و به آن اطمینان داریم». در اینجا دو جنبه موضوع را مشاهده می‌نماییم. اولی عبارتست از دانستن محبتی که خدا نسبت به ما دارد و دیگری ایمان داشتن به آن است. یا چنانکه در ترجمه جدید می‌خوانیم دومی اطمینان داشتن به محبتی است که خدا نسبت به ما دارد.

بسیاری از مسیحیان در کلیسا می‌شنوند که کلام خدا در مورد محبت خدا چه می‌گوید. ممکن است به آنچه می‌شنوند توجه کنند و یا حتی به آن ایمان هم داشته باشند ولی این مطالب تا ما به آنها اتکا ننماییم حقیقت نخواهند یافت. باید این موضوع را جدی بگیریم که خدا ما را دوست دارد و بزرگترین بهای عالم را برای نجات ما پرداخت فرمود و با نجات دادن ما کل میراث الهی را از آن ما ساخته است. باید مطابق این حقیقت عمل نماییم و به آن اتکا کنیم. دیگر نباید (با خودمان) و دیگران با خساست و تنگ نظری رفتار نماییم و باید یاد بگیریم مثل خدا محبتی بی حد و حصر داشته باشیم.

و حسادت با یکدیگر رفتار می کردند. در واقع پولس به آنها می فرماید: « شما نمی فهمید دارای چه ثروتی هستید».

پس هیچکس نباید به آنچه انسان می کند ببالد. در واقع همه چیز به شما تعلق دارد: پولس، اپلس، پطرس، این جهان، زندگی، مرگ، زمان حال و زمان آینده همه این ها متعلق به شما و مال شماست و شما مال مسیح هستید و مسیح را آن خداست.

(اول قرنتیان ۳ : ۲۱ - ۲۳)

این آیه چه حقیقت عظیم و تکان دهنده ای را بیان می دارد. اینطور نیست؟ در واقع پولس می فرماید: «همه چیز از آن شماست. اینقدر تنگ نظرانه عمل نکنید. سر واعظین کلام هم مشاجره نکنید. دیگر اینقدر کوتاه فکر نباشید. همه چیز از آن شماست».

به یاد داشته باشید که میراث الهی مجاناً به ما عطا شده است و ما نمیتوانیم آن را خریداری نماییم. ولی مهم است که از روح القدس بخواهیم ایمان و درک ما را افزایش دهد. روح القدس متصدی امور است و تا با ما سخن نگوید و ما را بطرف راستی هدایت نفرماید، این مطالب در حد حرف خواهد بود و تحقق نخواهد یافت. روح القدس است که وعده ها را تبدیل به حقیقت می سازد.

در آخر این بحث نگاهی به دو ترجمه متفاوت از اول یوحنا ۴ : ۱۶ می اندازیم: ما از محبت خدا نسبت به خود آگاهیم و به آن اطمینان داریم. خدا محبت است و هر که با محبت زندگی می کند در خدا ساکن است و خدا در او. (ترجمه جدید فارسی) و ما دانسته و باور کرده ایم آن محبتی را که خدا با ما نموده است. خدا محبت است و هر که در محبت ساکن است در خدا ساکن است و خدا در وی.

لطفاً به قسمت اول این آیه توجه بفرمایید: «ما دانسته و باور کرده ایم آن محبتی را که خدا با ما نموده است». ترجمه جدید فارسی این آیه هم چنین است: «ما از محبت

هر چه از آن پدر است به پسر هم تعلق دارد و روح القدس تمام آن را به ما مکشوف خواهد ساخت. به یاد داشته باشید که روح القدس متصدی امور مربوط به میراث الهی اوست اگر مشارکت خوبی با روح القدس نداشته باشیم و در مشارکت با او زندگی نکنیم در اینصورت بطور نظری فرزندان پادشاه آسمانی خواهیم بود ولی مثل گدایان و بیچارگان زندگی خواهیم کرد چون از میراث الهی خود برخوردار نیستیم. میراث ما عبارتست از تمام آنچه خدای پدر و خدای پسر دارند. پدر و پسر با هم شریک هستند و ما هم با آنها شریک هستیم. این میراث الهی عبارتست از پری آنچه خدا در مسیح به ما عطا فرموده است. خدا خسیس و تنگ نظر نیست. برخورد خشک قانونی ندارد. محبت او بی حد و حصر است.

لطفا به آیات زیر توجه بفرمایید. در اینجا هم مجددا سخن از میزان ارث الهی ماست. او که پسر خود را دریغ نداشت، بلکه او را در راه جمیع ما تسلیم نمود، چگونه با وی همه چیز را به ما نخواهد بخشید؟

(رومیان ۸ : ۳۲)

لطفا به مفهوم این آیات توجه بفرمایید. وقتی مسیح را می پذیریم خدا مجانا همه چیز به ما عطا می فرماید. ما بدون او، هیچ برکتی نمی توانیم دریافت نماییم. ملاحظه بفرمایید که چقدر بر میزان ارث الهی ما و رایگان بودن آن تاکید می شود. نمی توانیم این میراث الهی را با پول بخریم بلکه آن را بعنوان هدیه ای رایگان دریافت می کنیم و این هدیه شامل همه چیز می شود. ما وارثان کل میراث الهی هستیم یعنی وقتی مسیح را می پذیریم وارث تمام آنچه خدای پدر و خدای پسر دارند می شویم.

در اول قرن تیان پولس تلاش می کند به ایمانداران قرن تس نشان بدهد که چقدر ثروتمند هستند و تا حدی هم آنها را به این دلیل سرزنش می کند که طرز رفتارشان چنان است که گویی فقیر و بیچاره هستند. ایمانداران قرن تس با خساست، تنگ نظری

اکنون کتاب مقدس به ما می فرماید که ما فرزندان خدا هستیم ولی روح خدا اعتقاد به این حقیقت را در فرد فرد ما تقویت می کند. همانطور که در بین بشر وارث بودن فرزندان خانواده مرسوم است حالا که فرزندان خدا شده ایم وارث هم شده ایم. اکنون وارثان خدا و هم ارث با مسیح گردیده ایم. البته در اینجا یک شرط مقرر شده است و آن اینکه در صورتی وارث خواهیم بود که حاضر به شریک بودن در رنج های مسیح هم باشیم. این از شرایط هم ارث شدن با مسیح است. اگر در ارث مسیح شریک هستیم پس در زحمات او هم شریک هستیم. حتما به یاد دارید که مروارید ثمره رنج و زحمت است.

لازم است مفهوم هم ارث بودن با مسیح را درک نماییم. مقصود این نیست که هر یک از ما بخشی از کل میراث الهی را دریافت خواهیم داشت بلکه معنی آن عبارتست از اینکه عیسی بعنوان پسر اول، کل ارث را دریافت می دارد و ما هم به همراه او کل ارث را دریافت می کنیم. همه ما حق برخورداری از کل میراث الهی را که ارث عیسی است، داریم. قانون ملکوت خدا عبارتست از سهم بودن ایمانداران در میراث الهی. اینطور نیست که هر یک از ما بخشی از میراث الهی را دریافت نماییم بلکه همه ما با هم سهم تمام آنچه خدای پدر و مسیح، پسر خدا دارد، خواهیم شد.

عیسی در مورد این میراث و اینکه چگونه می توانیم از آن برخوردار شویم مطالبی بیان فرمود. در یوحنا ۱۶ : ۳۵ عیسی در حالیکه درباره آمدن روح القدس سخن می گفت، فرمود:

در هر حال، وقتی او که روح راستی است بیاید شما را به تمام حقیقت رهبری خواهد کرد (چون نمی توانیم بدون کمک روح القدس به مساله فوق پی ببریم)... او مرا جلال خواهد داد زیرا حقایق را که از من دریافت کرده به شما اعلام خواهد نمود. هر چه پدر دارد از آن من است.

فصل چهارم

میراث کامل

اکنون می خواهیم توجه خود را معطوف سازیم به آنچه بر اثر نجات، در مسیح دریافت می داریم و آن عبارتست از میراث نامحدود. خدا نه فقط بهای عظیمی برای نجات ما پرداخت بلکه آنچه در مسیح به ما عطا می فرماید هم بی نهایت زیاد است. در رومیان ۸ : ۵ - ۱۷۷ پولس برای ایمانداران می نویسد که از طریق ایمان به

عیسی مسیح به چه چیزهایی

می توانیم دست یابیم. پولس می فرماید:

زیرا آن روحی که خدا به شما داده است شما را برده نمی سازد و موجب ترس نمی شود بلکه آن روح شما را فرزندان خدا می گرداند و ما به کمک این روح در پیشگاه خدا فریاد می کنیم: «ابا، ای پدر». روح خدا با روح ما با هم شهادت می دهند که ما فرزندان خدا هستیم و اگر فرزندان او هستیم، در آن صورت، وراثت - یعنی وارث خدا و هم ارث با مسیح نیز هستیم و اگر ما در رنج مسیح شریک هستیم در جلال او نیز شریک خواهیم شد.

کلمه ابا، کلمه ای است آرامی یا عبری و مثل کلمه «بابا» در فارسی است. در اینجا متوجه می شویم که اکنون بقدری ارتباط صمیمانه ای با خدا داریم که می توانیم به او ابا و یا به عبارتی «بابا» بگوییم. روح خدا، خودش به ما اطمینان می بخشد که می توانیم چنین خدا را مخاطب سازیم.

۲۲

در واقع کار او به بهای فدا ساختن تمام آنچه داشت تمام شد. مسیح فقط جلال و تخت آسمانی و عظمت الهی را ترک نفرمود. به علاوه فقط دارایی اندک خود را که بعنوان انسان بر روی زمین داشت ترک نکرد.

بلکه دست از جانش کشید. آنچه مسیح داد عبارت بود از حیات خودش. مسیح زندگی خود را بعنوان بهای نجات ما فدا ساخت. در این مورد فکر کنید و توجه داشته باشید که این امر میزان محبت الهی را نشان می دهد. باید گفت محبت الهی بی حد و حصر است.

آنها او را به صلیب میخکوب کردند آنگاه لباسهایش را بقید قرعه میان خود تقسیم نمودند.

به این ترتیب میخ ها در دستان و پاهای مسیح فرو رفت. این امر هم، در عهد عتیق پیشگویی شده بود. مزمور ۲۲ : ۱۶ می فرماید: «... دست ها و پاهای مرا سفته اند.» و در آیه هیجدهم می خوانیم: «رخت مرا در میان خود تقسیم کردند و بر لباس من قرعه انداختند».

هفتمین مرتبه که خون عیسی ریخته شد زمانی بود که عیسی در واقع مرده بود. سربازی رومی فرستاده شد تا از مرگ سه شخصی که مصلوب شده بودند اطمینان حاصل کند. سرباز رومی دو نفر دیگر را کشت ولی وقتی به سراغ عیسی آمد دید که جان سپرده است.

اما یکی از سربازان نیزه ای به پهلو او فرو کرد و خون و آب از بدنش جاری شد. هفتمین مرتبه که خون عیسی ریخته شد دیگر خونی در بدن عیسی نماند. می توان گفت که جان او به مرگ ریخته شد. مسیح هفت مرتبه خون خود را پاشید.

۱- عرق او تبدیل به خون شد.

۲- به صورت مسیح مشت کوبیدند و نیز با چوب یا عصا به صورتش زدند.

۳- او را به وسیله شلاق رومی تازیانه زدند.

۴- ریش او را کردند.

۵- تاج خار را روی سرش فشار دادند و پوست سرش را شکافتند.

۶- دستان و پاهای او را به وسیله میخ سوراخ کردند.

۷- به پهلویش نیزه زدند.

لطفاً در حینی که فهرست فوق را می خوانید به یاد داشته باشید که از آن می توان به میزان محبت عیسی نسبت به ما پی برد. این است بهایی که مسیح پرداخت فرمود.

۲۰

توجه داشته باشید که خداوند اجازه داد بر پشت او بزنند. مجبور نشد بلکه خودش را به عنوان قربانی تقدیم داشت. مسیح بوسیله شلاق رومی تازیانه خورد راکه دارای تسمه های متعددی بود که از استخوان و یا فلز ساخته شده بودند. وقتی شخص را بوسیله این شلاق می زدند مثل این بود که پشت او را مثل زمین شخم زده باشند چون پوست را بقدری پاره می کرد که زردپی ها و حتی استخوان ها نمایان می گردید. این سومین جایی بود که خون عیسی ریخت.

چهارمین باری که خون عیسی ریخته شد چندان در عهد جدید ذکر نشده است ولی وقتی به اشعیا ۵۰: ۶ مراجعه می کنیم می خوانیم:
پشت خود را به زندگان و رخسار خود را به موکنان دادم ...
آنها ریش عیسی را گرفتند و با دست خود کردند و در اینجا هم از صورت او خون جاری شد.

پنجمین مرتبه خون عیسی به این ترتیب جاری شد که تاجی از خار بر سرش گذاشتند. متی ۲۷: ۲۸-۲۹ می فرماید:

اول لباس عیسی را در آوردند و شنل ارغوانی رنگی به او پوشانیدند و تاجی از خار بافته بر سرش نهادند.

سربازان سنگدل فقط تاج خار را بر سر مسیح نگذاشتند بلکه این تاجی را که از خار ساخته شده بود و هنوز هم در همه جای فلسطین می توان نمونه های آن را مشاهده کرد، روی سر مسیح فشار دادند و بر سرش ضربه زدند. این کار باعث شد تا خارها پوست سر مسیح را بشکافند و بدین سان برای پنجمین بار خون مسیح ریخته شد.

ششمین مرتبه زمانی خون عیسی ریخته شد که او را مصلوب کردند. در متی ۲۷: ۳۵ می خوانیم:

خون عیسی بوسیله عرق از بدنش خارج شد. این امر نشان دهنده کشمکش و تقلای عیسی در دعا بود. و این اولین جایی بود که می خوانیم خون عیسی ریخته شد. دومین بار، زمانی خون عیسی ریخته شد که در خانه کاهن اعظم بود و بازجویی می شد و مورد بدرفتاری قرار می گرفت.

آنگاه آب دهان بر رویش انداخته، او را طپانچه می زدند و بعضی سیلی زده
(متی ۲۶: ۶۷)

کلمه ای را که ترجمه شده است: «او را طپانچه (مشت) می زدند» همچنین می توان اینطور هم ترجمه کرد: «او را با عصا می زدند». این ترجمه احتمالا صحیح تر است چون این امر در میکاه ۱۵ : ۱ چنین پیشگویی شده است: «با عصا بر رخسار داور اسرائیل خواهند زد» (میکاه ۵ : ۱). ولی در هر صورت این اتفاق افتاده است و مسیح را یا با مشت زده اند و یا بوسیله عصا و در هر حال از صورت او و احتمالا از بینی اش خون آمده است.

سومین جایی که ریخته شده خون عیسی ذکر گردیده متی ۲۶ : ۲۷ است که می فرماید:

پس از آن براباس را برای آنان آزاد کرد و دستور داد عیسی را تازیانه بزنند و بسپارند تا مصلوب گردد.

این موضوع هم در عهد عتیق پیشگویی شده بود. در عهد عتیق می خوانیم که خدا شخصا می فرماید:

پشت خود را به زندگان و رخسار خود را به موکنان دادم و روی خود را از رسوایی و اب دهان پنهان نکردم.

(اشعیا ۵۰ : ۶)

لازم است به کتاب لاویان نگاهی بیندازیم تا از آنچه قرار بود در آینده روی دهد دید روشن تری پیدا کنیم. مهمترین روز در سال مذهبی یهودیان روز کفاره بود که امروزه به آن یوم کیپور می گویند. فقط در آن روز کاهن اعظم به قدس الاقداس وارد می شد و با خود ، خون حیوانات قربانی شده را به همراه داشت که برای یکسال دیگر گناهان قوم اسرائیل را پاک می ساخت.

موسی در این مورد چنین توضیح می دهد:

و (کاهن اعظم) از خون گاو گرفته، بر کرسی رحمت به انگشت خود به طرف مشرق بپاشد، و قدری از خون را پیش روی کرسی رحمت هفت مرتبه بپاشد.

(لاویان ۱۶ : ۱۴)

فقط خون می توانست تاوان گناهان قوم خدا را بدهد و می بایست خون دقیقا در قدس الاقداس به حضور خدای قادر مطلق ریخته میشد. مخصوصا توجه داشته باشید که خون هفت مرتبه پاشیده می شد. این امر تصادفی نبود. عدد هفت نشان دهنده کار روح القدس و علامت تکمیل شدن یا کامل بودن است و عدد هفت دلالت بر کار کاملی دارد که انجام شده است. این امر دقیقا در نحوه ریخته شدن خون عیسی تحقق یافت چون خون عیسی دقیقا هفت مرتبه قبل از اینکه قربانی کردن جانش کامل شود، ریخته شد. اولین بار در باغ جتسیمانی خون عیسی پاشیده یا به عبارتی ریخته شد. در

جتسیمانی عیسی در دعا بشدت تقلا

می کرد تا برای این قربانی بزرگ آخر، خودش را به حضور خدا بیاورد. کلام خدا می فرماید:

عیسی در شدت اضطراب و با حرارت بیشتری دعا کرد و عرق او مثل قطره های خون بر زمین می چکید.

(لوقا ۲۲ : ۱۴)

که می خوانیم موسی قوانینی در مورد زندگی بر طبق اصول الهی از خدا دریافت می دارد. خدا موضوع فوق را که جنبه نبوتی دارد چنین بیان می کند؟ زیرا که جان جسد در خون است، و من آن را بر مذبح به شما داده ام تا برای جان های شما کفاره کند، زیرا خون است که برای جان کفاره می کند.

البته در عهد عتیق کفاره خون نمونه و سایه ای بود از آنچه در آینده بوقوع می پیوست و در واقع از زمانی خبر می داد که خون عیسی بر مذبح صلیب ریخته می شد تا کفاره کامل و نهایی را برای جان های ما انجام دهد.

توجه داشته باشید که کلمه عبری که «حیات» ترجمه شده همان کلمه ای است که در زبان عبری برای «جان» استفاده میشود. جان جسم یک موجود در خون آن است. اشعیا نبوت کرد و فرمود که عیسی خون حیات بخش خود را خواهد داد و به این ترتیب جان خود را بر روی مذبح صلیب قربانی خواهد کرد. اشعیا با توجه به تصویری که از کفاره مسیح در ذهن ماست پیشگویی میکند و میفرماید:

.... جان خود را به مرگ ریخت و از خطاکاران محسوب شد و گناهان بسیاری را بر خود گرفت و برای خطاکاران شفاعت نمود.

اشعیا ۵۳ : ۱۲

توجه بفرمایید که در مورد کار عیسی چهار نکته ذکر شده است: ۱- جان خود را به مرگ ریخت. ۲- از خطاکاران محسوب شد (مسیح بین دزدان مصلوب گردید). ۳- گناهان بسیاری را بر خود گرفت (در واقع گناهان تمام جهان را) و ۴- برای خطاکاران شفاعت نمود. مسیح قبل از جان دادن بر روی صلیب دعا کرد: «ای پدر اینها را ببامرز، زیرا که نمی دانند چه می کند». هر یک از موارد فوق دقیقاً در عیسی تحقق یافت. اما میخواهیم روی اولین نکته در آیه ۱۲ متمرکز شویم یعنی: «جان خود را به مرگ ریخت...». مسیح جان خود را فدا ساخته است.

فصل سوم

عیسی بهای کامل را پرداخت کرد

تا اینجا متوجه شدیم که دو مثل گنج پنهان شده در مزرعه و مروارید گرانبها معیاری در اختیار ما قرار می دهند تا بوسیله آن به بهایی که مسیح برای ما پرداخت پی ببریم. در هر دو مثل هم مشاهده می کنیم که خریدار مجبور شد تمام دارایی خود را بفروشد تا بتواند آنچه مورد نظرش بود بخرد. در واقع خریدن آنچه می خواست به بهای از دست دادن تمام دارایی اش تمام شد. این امر در مورد عیسی هم صادق بود. زیرا نجات بخشیدن ما برای او به بهای فدا ساختن تمام آنچه داشت تمام شد. ولی مفهوم اینکه عیسی زندگی خود را برای ما داد دقیقا چیست؟ اولاً باید بدانیم که بهایی که برای نجات ما پرداخت گردید عبارت بود از خون عیسی. اول پطرس ۱ : ۱۸-۱۹ می فرماید:

فراموش نکنید که شما از قید روش های بیهوده زندگی که از پدران خود آموخته بودید آزاد شدید و این آزادی با پرداخت چیزهای فانی مثل طلا و نقره نبود، بلکه با خون گرانبهایی مانند خون بره ای بی نقص و عیب یعنی خون عیسی آزاد شدید. فقط بر اثر ریخته شدن خون مسیح امکان داشت ما از گناهان، حماقت و ظلمت خویش آزاد شویم. چرا باید خون مسیح حتما ریخته شود؟ پاسخ عهد عتیق به این سوال مساله را روشن می کند. علت این است که حیات یا به عبارتی جان بدن در خون است. اگر موجودی زنده دارای جان و خون باشد در این صورت حیات یا جان این موجود در خون آن است. این موضوع در لاویان ۱۷ : ۱۱ بیان شده است یعنی جایی

از مرگ قیام فرمود، ثابت کرد که محبت از مرگ قدرتمندتر است. بزرگترین قدرت منفی در جهان که نمی توان در برابر آن مقاومت کرد مغلوب بزرگ ترین قدرت مشیت در جهان یعنی محبت خدا گردید.

سرودی قدیمی وجود دارد به نام «محبت راهی خواهد یافت» که بدین صورت است:

بر فراز کوهها،

زیر چشمه ها،

محبت راهی خواهد یافت».

محبت همیشه به هدف خود می رسد چون هیچ چیز نمی تواند در برابر آن بایستد. محبت هیچ مانعی را قبول نمی کند. از داخل و بالا و زیر همه چیز عبور خواهد کرد تا به آنچه می خواهد برسد. چنین است محبت خدا.

فکر بکنید که محبت خدا برای تک تک افراد است، ازلی است، مقدم بر زمان است و در برابر آن نمی توان مقاومت کرد. بعد دوباره تصور کنید که مرواریدی در دست عیسی هستید. به خود بگویید: «محبت مسیح نسبت به من فردی و ازلی و مقدم بر زمان است و در برابر آن نمی توان مقاومت کرد». بعد به یادآورید که برای عیسی این محبت به بهای فدا ساختن آنچه داشت برای او تمام شد. لطفا دیگر نگویید متشکرم.

محبت خدا از جای دور است. فردی است و ازلی. خدا به خاطر محبتش است که ما را به طرف خود جذب می فرماید.

محبت خدا مقدم بر زمان است

و (خدا) ما را قبل از آفرینش دنیا در مسیح برگزید تا در پیشگاه او مقدس و بی عیب باشیم. بسبب محبت خود و برحسب صلاحدید اراده خویش برای ما مقدر فرمود که بوسیله عیسی مسیح فرزندان او شویم

افسیان ۱ : ۴-۵

نقطه گذاری این آیه به دو طریق ممکن است. مثلاً می توان آن را به این شکل نقطه گذاری کرد: «... تا مقدس شکل : «... تا در پیشگاه او مقدس و بی عیب باشیم. بسبب محبت خود ...» فرقی نمی کند، هر کدام را انتخاب کنیم واقعیت این است که محبت خدا مقدم بر زمان است. یعنی خدا قبل از آفرینش عالم ما را دوست داشت و ما را برگزید و برای نجات انتخاب فرمود. خدا جریان حیات خودش را طوری تعیین فرمود تا ما با او و محبتش روبرو شویم.

در برابر محبت خدا نمیتوان مقاومت کرد

در غزل غزل های سلیمان ۸ : ۶ می خوانیم: «محبت مثل موت زور آور است...» در برابر مرگ نمی توان مقاومت کرد. وقتی مرگ فرا می رسد نمی توان آن را بازگرداند. هیچکس نمی تواند به مرگ بگوید: « برو، من حاضر نیستم. نمی توانم تو را قبول کنم». هیچکس قدرت ایستادگی در برابر مرگ را ندارد. سلیمان می فرماید: «محبت مثل موت زور آور است». عهد جدید ما را یک قدم جلوتر می برد. وقتی مسیح مرد و

کف دست خود قرار داده است و با آن صحبت می کند و میفرماید «برای تو بود که این بها را پرداختم و تمام آنچه را که داشتم فدا ساختم».

حالا می توانید به خود بگویید: «من این مروارید بودم. من این مروارید هستم. اگر هیچ کس دیگری جز من وجود نداشت تا نجات پیدا کند، عیسی فقط برای خود من جانش را فدا می ساخت». لازم است مفهوم این امر را بفهمیم. بسیاری از ما دائماً با احساساتی مثل احساس عدم لیاقت، بی کفایتی و مطرود بودن در حال کشمکش هستیم. در این فکری که آیا واقعا کسی ما را می خواهد. خیلی مهم است بدانیم که هر یک از ما مرواریدی هستیم که عیسی تمام دارایی خود را برای به دست آوردن آن فدا ساخت.

در زیر به چهار واقعیت ساده ولی بسیار مهم در مورد محبت الهی اشاره می نمایم:

۱- خدا به تک تک افراد محبت می نماید.

۲- محبت خدا ازلی است.

۳- محبت خدا مقدم بر زمان است.

۴- در برابر محبت خدا نمی توان مقاومت کرد.

اجازه بفرمایید به قسمت هایی از کلام خدا که به این چهار نکته اشاره دارند نگاهی بیندازیم.

خدا به تک تک افراد محبت می نماید و محبت او ازلی است

خداوند از جای دور به من ظاهر شد (و گفت) با محبت ازلی تو را دوست داشتم از

این جهت تو را به رحمت جذب نمودم.

ارمیا ۳۱: ۳

چند نفر از ما یک قطعه سنگ را بقدری ارزشمند خواهیم دانست که حاضر خواهیم شد دل از تمام دارایی خود بکنیم تا این جواهر گرانبها را بخریم؟ این است محبت عیسی. محبت او بی حد و حصر است.

قیمت مروارید به اندازه قیمت مزرعه است چون در هر دو مورد می بینیم که شخص مجبور می شود تمام دارایی خودش را بفروشد. در فصل بعدی این موضوع را تجزیه و تحلیل خواهیم کرد که برای عیسی فدا ساختن تمام آنچه داشت دارای چه مفهومی بود؟

مروارید نشانه چیست؟ یکی از مفاهیم آن در کتاب مقدس عبارتست از رنج کشیدن. جالب است که بدانیم که همه دروازه های منتهی به اورشلیم جدید آسمانی از مروارید ساخته شده اند. معنی این امر این است که برای ورود به اورشلیم جدید هیچ راهی جز رنج کشیدن وجود ندارد. شهر آسمانی دروازه دیگری ندارد. مروارید به علت بوجود آمدن نوعی ناراحتی و فشار در درون صدف، پدید می آید. در واقع مروارید محصول مشکلی است که برای صدف در داخل آن بوجود می آید.

برای اینکه مروارید را بتوان فروخت کارهای زیادی باید کرد. باید آن را از اعماق دریا خارج ساخت، از صدف در آورد و عملیات مختلفی روی آن انجام داد. مانند همان گنج پنهان شده در مزرعه است. برای آماده ساختن آن کارهای زیادی باید کرد. عیسی مزرعه را خریداری فرمود ولی اقدامات مربوط به حاضر و آماده کردن گنج را به خادمین اش سپرد. در مورد مروارید هم همینطور است. در پایان کار مرواریدی صاف زیبا و درخشان حاصل تلاش ما خواهد بود.

تصور بفرمایید که عیسی مرواریدی در دست خود گرفته است و با محبتی که بیان نمی شود کرد به آن نگاه می کند. اینجا مساله کاملا شخصی و فردی است و هیچ مساله گروهی یا دستجمعی در کار نیست. عیسی را می بینیم که فقط یک مروارید در

خدا مایل است پری محبت خویش را در این مجرا که بوسیله روح القدس در ما خلق می فرماید، قرار دهد. مایل است تمام ابعاد محبت او را بشناسیم - یعنی بدانیم پنهان، درازا، بلندی و عمق محبت او چقدر است. خدا می خواهد محبتی را بشناسیم که مافوق فهم است. محبت خدا را از طریق عقل نمی توان درک کرد بلکه می توان از طریق مکاشفه کتاب مقدس و روح القدس آن را درک نمود.

از مثل گنج پنهان شده در مزرعه بصورت معیاری برای پی بردن به میزان محبت خدا استفاده کردیم. در سراسر این کتاب تاکید ما روی این است که فداکاری مسیح به بهای فدا ساختن تمام دارایی اش تمام شد.

اکنون روی مثلی متمرکز می شویم که بلافاصله بعد از این مثل قرار دارد و آن عبارتست از مثل مروارید گرانبها. مثل اول یعنی گنج پنهان شده در مزرعه میزان محبت مسیح را نسبت به قوم خود بطور کلی نشان می دهد ولی مثل مروارید گرانبها میزان محبت مسیح را نسبت به تک تک افراد بشر نشان می دهد. برای هریک از ما بسیار مهم است که بدانیم خدا نه فقط ما را به عنوان عضوی از گروه ایمانداران دوست دارد بلکه ما را بطوری فردی هم دوست دارد. متی ۱۳ : ۴۵ - ۴۶ می فرماید:

پادشاهی آسمانی همچینین ماند بازرگانی است که در جستجوی مرواریدهای زیبا بود وقتیکه مروارید بسیار گرانبهای پیدا کرد رفته تمام دارایی خود را فروخت و آن را خرید.

مانند مثل قبلی در اینجا هم میتوان گفت بازرگان، عیسی است. این بازرگان توریست یا شخصی که فقط دوست دارد به ویتترین مغازه ها نگاه کند نبود بلکه شخصی بود که واقعا قیمت چیزی را که در جستجوی آن بود می دانست. وقتی این مروارید بخصوص را یافت متوجه شد معامله خوبی خواهد بود اگر تمام دارایی خود را برای خریدن این مروارید بفروشد. چند نفر از ما حاضر است چنین کاری انجام دهیم؟

فصل دوم

مروارید گرانها

تمام حقایق در مورد خدا عظیم تر و بزرگ تر از آن است که بتوانیم درک نماییم و این امر بخصوص در مورد محبت او صادق می باشد. ذات خدا عبارتست از محبت. کلمه ای که ما برای بیان میزان محبت الهی انتخاب کرده ایم، کلمه «بی حد» است که غیر معمول و غیر مذهبی است و از آن استفاده می کنیم تا از کلمات کلیشه ای اجتناب نماییم. محبت خدا حقیقتاً «بی حد» است. اغلب در محبت کردن خسیس، تنگ نظر و خود محور هستیم ولی محبت خدا به هیچ وجه چنین نیست. بلکه عظیم، بی کران و بی حد و حصر است. به یاد آورید که پولس در افسسیان ۳: ۱۴ - ۱۹ برای ما چنین دعا کرده است:

بنابراین من در برابر پدری زانو می زنم که هر خانواده در آسمان و زمین نام خود را از او گرفته است و دعا می کنم که از گنجهای جلال خود به شما ببخشاید تا بوسیله روح او در درون خود قوی و نیرومند شوید و خدا عطا فرماید که مسیح از راه ایمان شما در قلب هایتان ساکن شود.

برای درک آنچه خدا برای ما دارد اول باید بوسیله روح او قوی شویم. باید چیزی مانند یک مخزن در ما خلق شود تا خدا چیزی را که می خواهد بتواند در ما قرار دهد. پولس در این مورد چنین توضیح می دهد:

و دعا می کنم که شما در محبت ریشه دوانیده و بر پایه محبت بنا شوید تا با همه مقدسین قدرت داشته باشید به پهنا و درازا و بلندی و عمق محبت مسیح پی ببرید و آن محبت را دریابید (اگر چه مافوق فهم بشر است) تا از پری کامل خدا کاملاً پر شوید.

نماییم. برای انجام این کار من زحمت می کشم و تقلا می کنم و از قدرت عظیمی که مسیح به من می دهد و در من کار می کند استفاده می نمایم. کسی که ما اعلام می نمایم عیسی است. کل هدف خدمت من عبارتست از اعلام کردن عیسی. پولس هم موافق نبود که هیچ یک از متعلقان خدا را ترک کند تا استعدادشان شکوفا نشود. به همین دلیل بسیار تلاش کرد. توجه بفرمایید که تمام کلمات زیر بر فعالیت دلالت می کنند:

« زحمت می کشم و تقلا می کنم ... قدرت عظیمی که ... در من کار می کند، هدف و مسیر کل تمام این فعالیت چیست؟ این است که پولس گنج را از مزرعه در بیاورد، پاک بسازد و آماده تقدیم به مسیح سازد که جان داد و با فدا ساختن جان خود مزرعه را خرید.

ما چگونه این کارها را انجام می دهیم؟ پولس می فرماید: « همه را آگاه می سازیم و تعلیم می دهیم تا آنها را به صورت افراد بالغ در مسیح به خدا تقدیم نمایم ». ولی می خواهم یادآوری کنم که چه بلایی برای خرید مزرعه و گنجی که در آن هست پرداخت گردید. این بها عبارت بود از تمام دارایی مسیح. مسیح از هیچ چیز دریغ نکرد. محبت او بی حد و حصر بود. مسیح با شادی این فداکاری را کرد چون این گنج را بی اندازه دوست داشت.

۸

زندگی خودش یعنی آنچه داشت و آنچه بود تمام شد. مسیح جان خود را فدا ساخت. خودش را فدا کرد تا بخاطر گنج یعنی نجات یافتگان، مزرعه را خریداری نماید.

در مورد این گنجی که در مزرعه وجود دارد مطالب دیگری را هم باید ذکر کرد. مسیح مزرعه را خریداری کرده است ولی آن را به خادمین اش یعنی خادمین انجیل سپرده تا گنج را مجددا کشف نمایند. بنابراین کار زیادی باید انجام بگیرد. مقصود این است که باید بگردیم و گنج را پیدا کنیم و زمین را بکنیم تا گنج را از آن خارج نماییم. این گنج مدتهای مدیدی زیر خاک مانده است و بنابراین کشف شده و زنگ زده است و لازم است وقت زیادی برای پاک کردن آن صرف شود.

عیسی خودش کار پاک کردن گنج را انجام نمی دهد. می خواهد خادمین اش در این جهان گنج را پیدا کنند و با رنج و زحمت آن را از زمین بیرون بیاورند. باور بفرمایید که بردن مردم به حضور خداوند و موعظه کردن انجیل برای آنها کار مشکلی نیست؛ ولی اینکار بر عهده خادمین انجیل قرار دارد. من یکی از خادمین بسیاری هستم که خدا در این جهان دارد. هدف خدمت من این است که این گنج را از مزرعه بیرون بیاورم، پاک کنم و برای خداوند آن را آماده بسازم.

این همان حقیقتی است که پولس در کولسیان ۱: ۲۸: ۲۹ در مورد خدمت خود بیان می دارد.
می فرماید:

ما مسیح را به همه می شناسانیم و با تمام دانشی که داریم همه را آگاه می سازیم و تعلیم می دهیم تا آنها را به صورت افرادی بالغ در مسیح به خدا تقدیم

۷

کاری نمی خورد. از نظر مالی ارزش ندارد. برای کشت و کار هم مناسب نیست. فقط در آن خار می روید. چرا این مرد برای چنین مزرعه ای چنین بهایی پرداخت.

همانطور که ملاحظه می فرمایید مردم نمی دانستند در مزرعه گنج وجود دارد. تنها شخصی که از وجود گنج آگاهی داشت، عیسی بود. به همین دلیل بهای خرید تمام جهان را پرداخت فرمود تا گنجی را که در این مزرعه وجود دارد به دست آورد. این گنج عبارتست از قوم خدا یعنی ایمانداران.

اجازه بفرمایید به آیه بسیار آشنای دیگری از عهد جدید اشاره نمایم:
 زیرا خدا جهان را آنقدر محبت نمود که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان بیاورد هلاک نگردد بلکه صاحب حیات جاوردان شود. (یوحنا ۳: ۱۶)

پس خدا جهان را محبت نمود و پسر خود را فدا ساخت تا جهان را نجات بخشد. ولی آنچه خدا از جهان دریافت می کند عبارتست از « هر که به او ایمان بیاورد ». « هر که به او ایمان بیاورد هلاک نگردد ». مجموع تمام این افراد که ایمان می آورند گنج پنهان شده در مزرعه است که مسیح برای خریدن آن جان خود را فدا ساخت. مسیح جهان را به خاطر « همین افراد » نجات بخشید.

در تیتوس ۲: ۱۴ مشاهده می کنیم که همین حقیقت مجددا ذکر می گردد. این قسمت از کلام خدا در مورد عیسی مسیح چنین می فرماید:

او جان خود را در راه ما داد تا ما را از هر گونه شرارت آزاد سازد و ما را قومی پاک بگرداند که فقط به خودش تعلق داشته و مشتاق نیکوکاری باشیم.

این است گنج مسیح. این گنج عبارتست از قومی که فقط به مسیح تعلق دارند و مسیح آنها را از جهان نجات بخشیده است و از شرارت آزاد ساخته و پاک نموده و مشتاق نیکوکاری گردانیده است. و این کار به بهای فدا ساختن

۶

موضوع ساده است. این داستان چه حقایق روحانی ای را مکشوف می سازد؟ من تفسیر خود را که با اصول کتاب مقدس مطابقت دارد بیان خواهم کرد. البته قصد ندارم بگویم که این مثل را به هیچ نحو دیگری نمی توان تفسیر کرد ولی تفسیر من بشرح زیر است.

مردی که گنج را یافت عیسی است. منظور از مزرعه هم جهان است چون این امر در متی ۱۳ : ۳۸ در مثل دیگری هم بیان شده و این اصلی است که در تمام هفت مثل موجود در باب سیزدهم انجیل متی مشترک است. پس گنج چیست؟ منظور از گنج ایماندارانی است که در جهان حضور دارند. پس بطور خلاصه باید گفت که مرد مذکور در مثل عیسی است و مزرعه همان جهان است و گنج هم عبارتست از قوم خدا در جهان.

وقتی مرد مذکور متوجه شد در مزرعه گنج وجود دارد کار بسیار عاقلانه ای انجام داد. بلافاصله نرفت موضوع وجود گنج را به همه بگوید. در واقع مثل می گوید که این شخص گنج را مخفی کرد؛ چون می دانست اگر مردم از موضوع آگاه شوند رقابت شدیدی برای خرید مزرعه بوجود خواهد آمد. گنج را مخفی کرد و تصمیم گرفت کل مزرعه را خریداری نماید. این مرد فقط گنج را می خواست ولی چون دید واقع بینانه ای داشت می دانست که اگر بخواهد گنج را به دست آورد، مجبور است بهای خرید تمام مزرعه را پردازد. ولی این قیمت برای او خیلی زیاد بود. در واقع مجبور شد تمام دارایی خودش را بفروشد تا مزرعه را بخرد ولی اینکار را با شادی انجام داد چون می دانست که آن گنج چقدر گرانبهاست.

می توانید تصور کنید که همسایگان چقدر از عمل او تعجب نمودند؟ شاید مردم می پرسیدند که این مرد مزرعه را برای چه می خواهد؟ این مزرعه بدرد هیچ

فصل اول

گنج پنهان شده در مزرعه

یکی از قسمت‌های مورد نظر ما متی ۱۳: ۴۴ است که در آن مثل گنج پنهان شده در مزرعه را می‌خوانیم.

مثل عبارتست از داستانی ساده در مورد امور آشنا، عادی و زمینی. عیسی از مثال‌هایی استفاده می‌کرد که برای شنوندگان سخنانش کاملاً آشنا بود. ولی هدف مثل این است که حقایق نادیدنی، ابدی و روحانی را مکشوف سازد. به این ترتیب صحنه و داستان آشنا برای شنوندگان مبدل به آینه‌ای می‌شود که حقایق نادیدنی و ناآشنای روحانی را منعکس می‌سازد.

عیسی با استفاده از روش یک معلوم خوب از معلومات شروع می‌کند و به مجهولات می‌رسد. از موضوعاتی شروع می‌کند که برای شنوندگان سخنانش آشناست و به این ترتیب آنها را به طرف موضوعاتی می‌برد که برای آنها ناآشناست. وقتی هر یک از مثل‌های عیسی را می‌خوانیم باید از خود پرسیم که «مقاصد روحانی مسیح از بیان این مثل چیست؟» اجازه بفرمایید اول به مثل گنج پنهان شده در مزرعه نگاهی بیندازیم و بعد من تفسیر خود را از این مثل بیان خواهم کرد.

«پادشاهی آسمانی مانند گنجی است که در مزرعه‌ای پنهان شده باشد و شخص تصادفاً آن را پیدا کند. او دوباره آن را پنهان می‌کند و از خوشحالی می‌رود، تمام اموال خود را می‌فروشد و برگشته آن مزرعه را می‌خرد.»

۴

در عین حال پولس دعا می کند تا در محبت خدا رشد کنیم و به پنها، درازا، بلندی و عمق محبت الهی پی ببریم. در آخر هم پولس چنین دعا می کند: « و آن محبت را دریابید اگر چه مافوق فهم بشر است...» در اینجا با تناقض روبرو می شویم چون چطور ممکن است محبتی را بشناسیم که مافوق از فهم است؟ من معتقدم که جواب این سوال این است که ما محبت الهی را از طریق عقل خود نمی شناسیم بلکه از طریق مکاشفه کتاب مقدس و روح القدس. این مکاشفه ای است که برای روح ما صورت می گیرد تا برای عقل مان.

هدف این کتاب عبارتست از نقل قسمت های مختلف کلام خدا که معیارهایی در اختیار ما قرار می دهند تا از طریق آنها به میزان محبت الهی پی ببریم.

مقدمه

محبت بی حد و حصر خدا باعث خواهد شد در ستایش و پاسخ گفتن به او وارد بعد تازه ای شویم. آیا از شنیدن اینکه محبت خدا «بی حد و حصر» است متعجب می شویم؟ ولی این توصیف کاملاً مناسب است چون پیش از هر چیز به محبت خدا اشاره دارد.

ذات خدا محبت است. خدا خیلی بزرگتر و عظیم تر از آن است که بتوانیم تصور نماییم و این امر در مورد محبت او هم صادق است. اغلب در محبت کردن خسیس، تنگ نظر و خود محور هستیم ولی محبت خدا عظیم، بیکران و بی حد و حصر است.

پولس در افسسیان ۳: ۱۴-۱۹ برای ایمانداران چنین دعا می کند:

بنابر این من در برابر پدری زانومی زنم که هر خانواده در آسمان و زمین نام خود را از او گرفته است و دعا می کنم که از گنجهای جلال خود به شما ببخشاید تا بوسیله روح او در درون خود قوی و نیرومند شوید و خدا عطا فرماید که مسیح از راه ایمان شما در قلب هایتان ساکن شود و دعا می کنم که شما در محبت ریشه دوانیده و بر پایه محبت بنا شوید تا با همه مقدسین قدرت داشته باشید به پهنا و درازا و بندگی و عمق محبت مسیح پی ببرید و آن محبت را در یابید (اگر چه مافق فهم بشر است) تا از پری کامل خدا کاملاً پر شوید.

موضوع اصلی دعای پولس برای ما این است که محبت خدا را بشناسیم. ولی ما نمی توانم قلب خود را برای سکونت مسیح حاضر سازیم مگر اینکه بوسیله قدرت روح القدس قوی شویم.

فهرست مطالب

۲	مقدمه
۵	فصل اول: گنج پنهان شده در مزرعه
۱۰	فصل دوم : مروارید گرانبها
۱۶	فصل سوم : عیسی بهای کامل را پرداخت کرد
۲۳	فصل چهارم : میراث کامل
۲۸	فصل پنجم : محبت بی حد و حصر متقابل
۳۴	در مورد نویسنده

محبت بی حد الہی

نویسنده: درک پرینس
مترجم: م. آقامالیان

محبت بی حد الهی

این اثر ترجمه ای است از کتاب

Extravagant Love
Copyright: 1985
BY: DEREK PRINCE

Translated into Persian by:

Michel Aghamalian

مترجم: میشل آقامالیان

ISBN:1-901144-02X

Published by: Derek Prince Ministries -UK,
Kingsfield, Hadrian Way, Baldock SG7 6AN, UK.
Email enquiries@dpmuk.org
www.dpmuk.org

All rights reserved.

No part of this book may be reproduced or transmitted in any form or by any means, electronic or mechanical, including photocopying, reading, or by means of any information storage and retrieval system, without permission in writing from the publisher.

هر گونه استفاده از این کتاب بدون اجازه رسمی ناشر

ممنوع است